

## بررسی و تحلیل فرایندهای فرانش اندیشگانی در شعر «کسی که مثل هیچ‌کس نیست» فروغ فرخزاد در چارچوب نظریه‌ی نقش‌گرای هلیدی

مژگان صفایی\* سیدمحمد رضا عادل\*\* محمود رمضانزاده لک\*\*\*  
دانشگاه پیام نور مشهد دانشگاه حکیم سبزواری دانشگاه پیام نور مشهد

### چکیده

نظریه‌ی نقش‌گرای هلیدی محصول نگاهی اجتماعی به زبان است که به کمک فرانش‌های سه‌گانه‌ی اندیشگانی، بینافردی و متنی در زبان اتفاق می‌افتد. با تأکید بر جنبه‌ی اجتماعی این چارچوب نظری، هدف پژوهش حاضر، بررسی سهم فرایندهای مختلف فرانش اندیشگانی در شعر «کسی که مثل هیچ‌کس نیست» از فرخزاد و آنگاه واکاوی جنبه‌های اجتماعی ذهنیتی شاعرانه‌ای است که آفرینش این متن ادبی را شکل بخشیده است. با علم به اینکه فرایند ذهنی در این شعر، در مقایسه با سایر فرایندهای اصلی کمترین بسامد آماری را داراست، این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که در این شعر فرایند ذهنی چگونه بر دیگر فرایندها تأثیر می‌گذارد؟ با پاسخ به این پرسش اصلی شاید بتوان به این پرسش فرعی نیز پاسخ گفت که آیا یک فرایند حذاقلی مانند فرایند ذهنی در این شعر در جایگاه ایده‌ی شاعرانه، امکان بسط به یک گفتمان غالب اجتماعی را خواهد داشت؟ فرضیه‌ی پژوهش این است که فرایند ذهنی خواب و خواب‌گزاری، سایر فرایندهای فرانش اندیشگانی را در راستای خود شکل و جهت می‌دهد تا کلیت متن را همچون برشی از بافت فرهنگی اجتماعی جامعه، بازتولید کند و آینده‌ی آن را که همانا آمدن کسی است که مثل هیچ‌کس نیست پیش‌گویی کند. با بررسی آماری فرایندهای فرانش اندیشگانی، ضمن تأیید حذاقلی‌بودن فرایند ذهنی (۱۰/۵٪ کل فرایندها) در میان فرایندهای اصلی شعر، می‌توان به این نتیجه رسید که سایر فرایندها برای بسط فرایند ذهنی و تأیید ایده‌ی این فرایند عمل کرده‌اند که همانا پیش‌گویی آمدن کسی است «که مثل هیچ‌کس نیست».

\* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی mozhgansafae@gmail.com (نویسنده‌ی مسئول)

\*\* استادیار زبان و ادبیات فارسی adelzero@yahoo.co.uk

\*\*\* استادیار زبان و ادبیات فارسی mahmoudramezanzadeh@yahoo.com

**واژه‌های کلیدی:** شعر معاصر، فرانقش اندیشگانی، فرایند ذهنی، فروغ فرخزاد، نقش‌گرایی هلیدی.

## ۱. مقدمه

زبان‌شناسی نقش‌گرا یکی از رویکردهای نظری زبان‌شناسی است که در مقابل زبان‌شناسی ساخت‌گرا قرار می‌گیرد. نقش‌گرایی، زبان را مستقل و جدا از ویژگی‌های ذهن بررسی می‌کند و در واقع اساسی‌ترین اصل در رویکردهای نقش‌گرا این است که هدف اصلی زبان، ارتباط بین انسان‌هاست و صورت زبانی در خدمت نقش زبان یعنی همان نقش ارتباطی است. از نظر هلیدی مقصود اصلی ارتباط انسان‌ها، تبادل معناست. به‌همین دلیل، نظام معنایی یک زبان طبیعی را می‌توان به‌تعدادی مؤلفه‌ی معنایی مجزا تقسیم کرد که با کلی‌ترین کارکردهای زبان که هلیدی آنها را فراکارکرد یا فرانقش می‌نامد در ارتباطند. مراد از فرانقش «آن بخش از نظام زبان، امکانات معنایی و واژی/دستوری خاص است که برای تشکیل نقش یا کارکرد بحث‌شده، تکامل یافته است» (هلیدی و حسن، ۱۳۹۳: ۱۲۲). از نظر هلیدی فرانقش‌های اندیشگانی، بینافردی و متنی نظام معنایی زبان را شکل می‌دهند. فرانقش بررسی‌شده در این پژوهش فرانقش اندیشگانی است که با کمک دیگر فرایندها، معنا را انتقال می‌دهد. فرایند ناظر بر یک رخداد، یک کنش، یک حالت احساسی، گفتاری یا وجودی است. هلیدی فرایندها را به «سه گروه فرایند اصلی شامل فرایند مادی، فرایند رابطه‌ای و فرایند ذهنی و سه گروه فرایند فرعی شامل فرایندهای رفتاری، وجودی و کلامی» (همان، ۱۲۵) تقسیم می‌کند. در این پژوهش، شعر «کسی که مثل هیچ‌کس نیست» اثر فروغ، از آخرین مجموعه‌ی شعری «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد» او بررسی می‌شود و فرایندهای به کار رفته در شعر را تعیین شده و بسامد حضور هریک از این فرایندها در شعر مشخص می‌شود؛ در نهایت، راجع به کارکرد هریک از این فرایندها در پیوند با ساخت فضای مورد نظر شاعر و در دایره‌ای وسیع‌تر، در رابطه با جامعه‌ی وصف‌شده‌ی شاعر و جامعه‌ی آرمانی که وی نوید پیدایی‌اش را می‌دهد بحث خواهد شد. همچنین، کنش متقابل میان برخورد خواب‌گزارانه و پیش‌گویانه‌ی شعر با بافت فرهنگی جامعه و طیف‌های عمده‌ی ایدئولوژیک، جغرافیایی و تاریخی آن را بررسی می‌شود.

## ۲. پیشینه و روش تحقیق

هلیدی (۱۹۷۶) با الهام از مفهوم «بافت موقعیت» و نیز نظریه‌ی «نظام‌ساختی» فرث (۱۹۳۵)، نظریه‌ی «زبان‌شناسی سیستمی‌نقش‌گرا» را معرفی کرده است. وی مفهوم «بافت موقعیت» را با تقسیم‌بندی چهارگانه‌ی زیر شرح و بسط داده است:

«مشارکان موقعیت: آنچه «فرث» اشخاص و شخصیت‌ها می‌دانست و کم‌وبیش مطابق با چیزی است که جامعه‌شناسان نقش‌ها و موقعیت‌های مشارکان می‌دانند.

کنش مشارکان: آنچه مشارکان انجام می‌دهند که هم شامل کنش کلامی و هم کنش غیرکلامی آنهاست.

دیگر ویژگی‌های مرتبط با موقعیت: یعنی اشیا و رخداد‌های مرتبط با آنچه در جریان است.

تأثیرات کنش کلامی: یعنی تغییر حالت یا وضعیتی که از رهگذر گفته‌های مشارکان حاضر در موقعیت، ظاهر شود» (هلیدی و حسن، ۱۳۹۳: ۵۹). توصیف نقش‌ها و کارکردهای زبان در جامعه، در واقع توصیف معناهایی است که زبان به‌طور عام و هرمتن به‌طور خاص دارد. معنا در این نظریه در سه فرانش تجلی می‌یابد: فرانش اندیشگانی (تجربی)، فرانش بینافردی و فرانش متنی (هلیدی، ۱۹۸۵). به این دلیل که حیطه بررسی ما در این پژوهش فرانش اندیشگانی و فرایندهای سازنده‌ی آن است، هریک از آنها را تعریف می‌کنیم:

جدول شماره‌ی ۱- فرانش‌ها و بازنمایی آنها در دستور<sup>۱</sup>

| Metafunction<br>(technical name) | Definition (kind of meaning)        | Corresponding<br>status in clause | Favoured type<br>of structure           |
|----------------------------------|-------------------------------------|-----------------------------------|-----------------------------------------|
| Experiential                     | Construing a model of<br>experience | Clause as<br>representation       | Segmental<br>(based on<br>constituency) |
| Interpersonal                    | Enacting social relationships       | Clause as<br>exchange             | Prosodic                                |
| textual                          | Creating relevance to context       | Clause as message                 | culminative                             |

## ۲.۱. فرانش اندیشگانی

فرانش اندیشگانی، بیانگر دریافت‌های ما از جهان خارج و عالم درون است. در چنین فرایندی اعتقادات، احساسات و تأثرات خود را بازگو می‌کنیم (هلیدی، ۲۰۰۲: ۳۱۲). به بیان دیگر، فرانش اندیشگانی «بازنمایی عملی یا چیزی [فکر، احساس و...] است که فعالیت براساس آن انجام می‌شود» (هلیدی و حسن، ۱۳۹۳: ۶۵ و ۶۶). این رویکردی

است که سبب می‌شود از دید به‌نسبت متفاوتی به جمله بنگریم. آقاگلزاده (۱۳۸۴) به نقل از هلیدی می‌گوید: «از منظر تجربی، زبان حاوی منابعی است برای ارجاع به عناصر و مصداق‌های موجود در جهان و چگونگی پیوند و تأثیر آن عناصر بر یکدیگر و یا حداقل ارتباط آنها با هم. دراین‌راستا، در ساده‌ترین و سطحی‌ترین لایه، زبان منعکس‌کننده‌ی دیدگاه ما درباره‌ی جهان است که می‌تواند شامل آنچه دارد اتفاق می‌افتد (فعل)، اشیا (اسامی) باشد یا به اسمی، چیزی نسبت داده شود (صفت) و یا نشان‌دهنده‌ی جزئیات چگونگی حوادث در زمان، مکان یا حالت خاصی باشد (قیود)» (آقاگلزاده، ۱۳۸۴: ۳).

## ۲.۲. فرایندها

صالحی‌نیا (۱۳۹۲) در تفسیر فرایندهای مطرح‌شده‌ی هلیدی می‌گوید: «چارچوب معنایی اصلی برای بازنمایی فرایندها بسیار ساده است. «هر فرایندی بالقوه از سه بخش تشکیل شده است:

الف. خود فرایند که در مقوله‌ی دستوری گروه فعلی بازنمایی می‌شود.

ب. شرکت‌کنندگان در فرایند که در گروه اسمی تحقق می‌یابند و بسته‌به نوع فرایند متفاوتند.

ج. عناصر بیرونی یا عناصر پیرامونی که در گروه قیدی یا گروه اضافی بازنموده می‌شوند».

مهاجر (۱۳۷۶) نیز این مبحث مدنظر هلیدی را این‌گونه تعریف می‌کند که «فرایند ناظر است بر یک رخداد، یک کنش، یک حالت احساسی، گفتاری یا وجودی. فرایندها به لحاظ معنایشان به شش گروه تقسیم‌بندی می‌شوند و به‌تناسب معنا، هرگروه مشارکین ویژه‌ای دارد (مهاجر، ۱۳۷۶: ۳۹-۴۰). اقسام فرایند عبارتند از: فرایند مادی، فرایند ذهنی، فرایند رابطه‌ای، فرایند رفتاری، فرایند کلامی و فرایند وجودی. فرایندهای مادی، ذهنی و رابطه‌ای فرایندهای اصلی هستند و فرایندهای رفتاری، کلامی و وجودی، فرایندهای فرعی محسوب می‌شوند و هرکدام در میان دو فرایند اصلی قرار می‌گیرند (هلیدی، ۱۹۸۵: ۱۳۸).

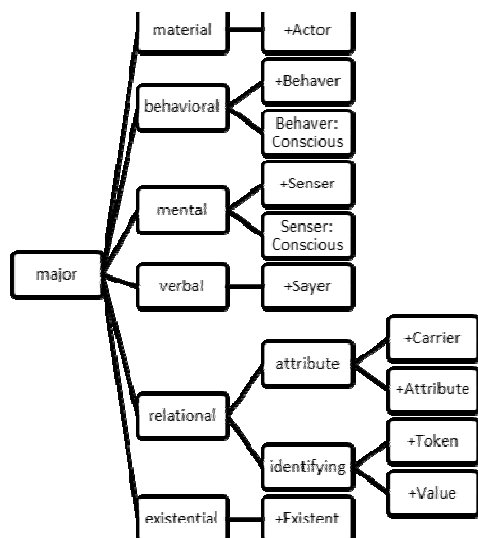
## ۲.۲.۱. فرایند مادی

فرایندی است که طی آن عملی انجام یا رخدادی شکل می‌گیرد و یا چیزی اثر می‌پذیرد. در این فرایند تعداد مشارکین براساس این که «فعل لازم» باشد یا «متعدی»، متغیر است. «اگر فعل لازم باشد تنها با یک مشارک، یعنی «کنشگر» مواجهیم مثل دویدن، اگر فعل متعدی باشد عنصر دیگری به نام «کنش‌پذیر» نیز وارد فرایند می‌شود؛ مانند آزمایش کردن» (اگینز، ۲۰۰۷: ۲۱۵-۲۱۶). برای فرایند مادی مثال‌های متنوعی هست از قبیل: اتفاق افتادن، ساختن، خلق کردن، آمدن، گرفتن و قسمت کردن.

## ۲.۲.۲. فرایند رابطه‌ای

این فرایند بر هستی و رابطه‌ی بین پدیده‌ها از طریق فعل است و بود دلالت دارد (اگینز، ۲۰۰۷: ۲۳۹). کسی یا چیزی را که خصوصیت ویژه‌ای داشته باشد «حامل» و ویژگی متناسب به حامل را «محمول» می‌گویند. فرایند رابطه‌ای می‌تواند دو نوع متفاوت وصفی (اسنادی) و شناسایی (هویتی) داشته باشد. در نوع وصفی یک ویژگی که ممکن است کیفیت، زمان، مکان یا دارایی باشد، به چیزی نسبت داده می‌شود. این ویژگی با فعل‌های ربطی (بود، شد، داشت، شبیه‌بودن، به نظر آمدن یا به نظر رسیدن) به حامل یا دارنده نسبت داده می‌شود.

در فرایند شناسایی (هویتی) چیزی، چیز دیگری را می‌شناساند یا یک مدخل، مدخل دیگر را توضیح می‌دهد. نقش‌های سازنده‌ی این فرایند عبارتند از «شناخته» و «شناسان». بندهایی که حامل فرایند رابطه‌ای از نوع شناسایی اند بندهایی هم‌ارزند؛ یعنی جای دو طرف رابطه را می‌توان با هم عوض کرد، بدون اینکه در معنای بند تغییری ایجاد شود. مانند: سکوت، سرشار از ناگفته‌هاست.



نمودار شماره‌ی ۱: انواع فرایندها<sup>۲</sup>

## ۳.۲.۲. فرایند ذهنی

این فرایند با فرایند مادی متفاوت است. در اینجا درباره‌ی عمل یا رخدادی فیزیکی سخن نمی‌گوییم، بلکه سخن درباره‌ی افکار، احساسات و ادراکات است. این فرایند لزوماً دو شرکت‌کننده دارد: شرکت‌کننده‌ای که «فکر می‌کند، می‌اندیشد یا ادراک می‌کند، که «مدرک» نامیده می‌شود و آنچه درک، احساس یا ادراک می‌گردد که هلیدی آن را «پدیده» نامیده است» (اگینز، ۲۰۰۷: ۲۲۵-۲۳۳). به عبارت دیگر، فرایند ذهنی مربوط به افعال حس‌کردنی است. افعال مصداق‌ری چون فکرکردن، دوست‌داشتن، تصور کردن، خواستن، دیدن، شنیدن و غیره جزو این فرایند به شمار می‌آیند. در این‌گونه فرایند به اجبار کاری انجام نمی‌شود، بلکه چیزی (واکنشی انفعالی) در جهان درون ذهن اتفاق می‌افتد. در این فرایند مدرک می‌تواند موجودی دارای شعور باشد و یا اینکه ما او را دارای شعور می‌پنداریم.

## ۴.۲.۲. فرایند رفتاری

این فرایند در بر گیرنده‌ی رفتارهای روانشناختی فیزیکی است. مانند: خوابیدن، سرفه کردن، لبخند زدن و غیره. این فرایند یک مشارک به نام «رفتارگر» دارد (اگینز، ۲۰۰۷: ۲۳۳). در واقع فرایند رفتاری در حدفواصل دو فرایند مادی و ذهنی قرار می‌گیرد. برای مثال در مقابل فرایند ذهنی دیدن، فرایند رفتاری نگاه کردن را داریم یا در مقابل فرایند ذهنی شنیدن، فرایند رفتاری گوش کردن را.

## ۵.۲.۲. فرایند کلامی

این فرایند با افعالی مانند: گفتن، بیان کردن، اظهار کردن و غیره سروکار دارد. در این فرایند با سه مشارک روبرو هستیم: آن که چیزی می گوید «گوینده»؛ آن که مورد خطاب واقع می شود «مخاطب» و پیامی که گفته می شود «گفته» (اگینز، ۲۰۰۷: ۲۳۹). این فرایندها نیز به نوعی بین دو فرایند مادی و ذهنی قرار می گیرند.

جدول شماره ۲- انواع فرایندها، حوزه‌ی معنایی و کنشگرهای هر یک<sup>۳</sup>

| Process type                                                  | Category meaning                                              | Participants, directly involved                                  | Participants, obliquely involved                     |
|---------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------|
| Material:<br>Action event                                     | 'doing'<br>'doing'<br>'happening'                             | Actor, Goal                                                      | Recipient, Client;<br>Scope; Initiator;<br>Attribute |
| behavioural                                                   | 'behaving'                                                    | Behaver                                                          | Behaviour                                            |
| Mental:<br>Perception<br>Cognition<br>Desideration<br>emotion | 'sensing'<br>'seeing'<br>'thinking'<br>'wanting'<br>'feeling' | Senser,<br>Phenomenon                                            |                                                      |
| verbal                                                        | 'saying'                                                      | Sayer, Target                                                    | Receiver; Verbiage                                   |
| Relational:<br>Attribution<br>identification                  | 'being'<br>'attributing'<br>'identifying'                     | Carrier, Attribute<br>Identified,<br>Identifier; Token,<br>Value | Attributor,<br>Beneficiary<br>Assigner               |
| existential                                                   | 'existing'                                                    | Existent                                                         |                                                      |

## ۶.۲.۲. فرایند وجودی

این فرایند از هستی یا نیستی پدیده‌ای سخن می گوید. مشارک این فرایند که از هستی یا نیستی او سخن می رود «موجود» نامیده می شود (مهاجر، ۱۳۷۶). این فرایند که وجود یا واقع شدن چیزی را نشان می دهد بین دو فرایند مادی و رابطه‌ای قرار می گیرد. افعال هستن، بودن، وجود داشتن، واقع یا ظاهر شدن، باقی ماندن و غیره نمایانگر این فرایند هستند. با مرور پیشینه‌ی پژوهش، اینک با خوانش شعر «کسی که مثل هیچ کس نیست» تلاش می شود به این پرسش پاسخ داده شود که فرایند ذهنی در این شعر بر دیگر فرایندهای فرانقش اندیشگانی چگونه تأثیر می گذارد؟ و آیا فرایند ذهنی (همچون خواب و خواب‌گزاری) با عنوان ایده‌ی شاعرانه امکان بسط به یک گفتمان غالب اجتماعی را خواهد داشت؟ فرضیه‌ی پژوهش این بوده است که فرایند ذهنی خواب‌گزاری، سایر فرایندهای فرانقش اندیشگانی را جهت‌دهی می کند تا کلیت متن را

همچون برشی از بافت فرهنگی اجتماعی جامعه بازتولید کند و آینده‌ی آن را که همانا آمدن کسی است که مثل هیچ‌کس نیست، پیش‌گویی کند.

### ۳. خوانش شعر

اکنون، شعر «کسی که مثل هیچ‌کس نیست» براساس مبانی نظری و منابع آن، بررسی و تحلیل می‌شود. اولین مرحله، شماره‌گذاری پاره‌های تشکیل‌دهنده‌ی شعر برای سهولت بررسی است که بدین قرار است:

#### ۳. ۱. کسی که مثل هیچ‌کس نیست

- (۱) من خواب دیده‌ام که کسی می‌آید
- (۲) من خواب یک ستاره‌ی قرمز دیده‌ام
- (۳) و پلک چشمم می‌پرد
- (۴) و کفش‌هایم می‌جفت می‌شوند
- (۵) و کور شوم
- (۶) اگر دروغ بگویم
- (۷) من خواب آن ستاره‌ی قرمز را
- (۸) وقتی که خواب نبودم دیده‌ام
- (۹) کسی می‌آید
- (۱۰) کسی دیگر
- (۱۱) کسی بهتر
- (۱۲) کسی که مثل هیچ‌کس نیست، مثل پدر نیست، مثل انسی نیست، مثل یحیی نیست،  
مثل مادر نیست
- (۱۳) و مثل آن کسی است که باید باشد
- (۱۴) و قدش از درخت‌های خانه‌ی معمار هم بلندتر است
- (۱۵) و صورتش
- (۱۶) از صورت امام زمان هم روشن‌تر
- (۱۷) و از برادر سید جواد هم
- (۱۸) که رفته است



- (۱۹) و رخت پاسبانی پوشیده است نمی ترسد
- (۲۰) و از خود خود سید جواد هم که تمام اتاق‌های منزل ما مال اوست نمی ترسد
- (۲۱) و اسمش آن چنان که مادر
- (۲۲) در اول نماز و در آخر نماز صدایش می‌کند
- (۲۳) یا قاضی‌القضات است
- (۲۴) یا حاجت‌الحاجات است
- (۲۵) و می‌تواند
- (۲۶) تمام حرف‌های سخت کتاب کلاس سوم را
- (۲۷) با چشم‌های بسته بخواند
- (۲۸) و می‌تواند حتی هزار را
- (۲۹) بی‌آنکه کم بیاورد از روی بیست‌ملیون بردارد
- (۳۰) و می‌تواند از مغازه‌ی سید جواد، هرچقدر که لازم دارد، جنس نسیه بگیرد
- (۳۱) و می‌تواند کاری کند که لامپ الله
- (۳۲) که سبز بود: مثل صبح سحر سبز بود
- (۳۳) دوباره روی آسمان مسجد مفتاحیان
- (۳۴) روشن شود
- (۳۵) ... آخ
- (۳۶) چقدر روشنی خوب است
- (۳۷) چقدر روشنی خوب است
- (۳۸) و من چقدر دلم می‌خواهد
- (۳۹) که یحیی
- (۴۰) یک چارچرخه داشته باشد
- (۴۱) و یک چراغ زنبوری
- (۴۲) و من چقدر دلم می‌خواهد
- (۴۳) که روی چارچرخه‌ی یحیی میان هندوانه‌ها و خربزه‌ها بنشینم
- (۴۴) و دور میدان محمدیه بچرخم
- (۴۵) ... آخ
- (۴۶) چقدر دور میدان چرخیدن خوب است

(۴۷) چقدر روی پشت‌بام خوابیدن خوب است

(۴۸) چقدر باغ ملی رفتن خوب است

(۴۹) چقدر مزه‌ی پرسی خوب است

(۵۰) چقدر سینمای فردین خوب است

(۵۱) و من چقدر از همه‌ی چیزهای خوب خوشم می‌آید

(۵۲) و من چقدر دلم می‌خواهد

(۵۳) که گیس دختر سید جواد را بکشم.

✱

(۵۴) چرا من این همه کوچک هستم

(۵۵) که در خیابان‌ها گم می‌شوم

(۵۶) چرا پدر که این همه کوچک نیست

(۵۷) و در خیابان‌ها هم گم نمی‌شود

(۵۸) کاری نمی‌کند که آن کسی که به خواب من آمده است، روز آمدنش را جلو بیندازد

(۵۹) و مردم محله‌ی کشتارگاه

(۶۰) که خاک باغچه‌هاشان هم خونی است

(۶۱) و آب حوض‌هاشان هم خونی است

(۶۲) و تخت کفش‌هاشان هم خونی است

(۶۳) چرا کاری نمی‌کنند

(۶۴) چرا کاری نمی‌کنند

✱

(۶۵) چقدر آفتاب زمستان تنبل است.

✱

(۶۶) من پله‌های پشت‌بام را جارو کرده‌ام

(۶۷) و شیشه‌های پنجره را هم شسته‌ام.

(۶۸) چرا پدر فقط باید

(۶۹) در خواب، خواب ببیند

✱

(۷۰) من پله‌های پشت‌بام را جارو کرده‌ام

(۷۱) و شیشه‌های پنجره را هم شسته‌ام.

✱

(۷۲) کسی می‌آید

(۷۳) کسی می‌آید

(۷۴) کسی که در دلش با ماست، در نفسش با ماست، در صدایش با ماست

(۷۵) کسی که آمدنش را

(۷۶) نمی‌شود گرفت

(۷۷) و دستبند زد و به زندان انداخت

(۷۸) کسی که زیر درخت‌های کهنه‌ی یحیی بچه کرده است

(۷۹) و روزبه‌روز

(۸۰) بزرگ می‌شود، بزرگ‌تر می‌شود

(۸۱) کسی از باران، از صدای شرشر باران، از میان پچ‌وپچ گل‌های اطلسی

(۸۲) کسی از آسمان توپخانه در شب آتش‌بازی می‌آید

(۸۳) و سفره را می‌اندازد

(۸۴) و نان را قسمت می‌کند

(۸۵) و پیسی را قسمت می‌کند

(۸۶) و باغ ملی را قسمت می‌کند

(۸۷) و شربت سیاه‌سرفه را قسمت می‌کند

(۸۸) و روز اسم‌نویسی را قسمت می‌کند

(۸۹) و نمره‌ی مریض‌خانه را قسمت می‌کند

(۹۰) و چکمه‌های لاستیکی را قسمت می‌کند

(۹۱) و سینمای فردین را قسمت می‌کند

(۹۲) درخت‌های دختر سید جواد را قسمت می‌کند

(۹۳) و هر چه را که باد کرده باشد قسمت می‌کند

(۹۴) و سهم ما را هم می‌دهد

(۹۵) من خواب دیده‌ام ...

#### ۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

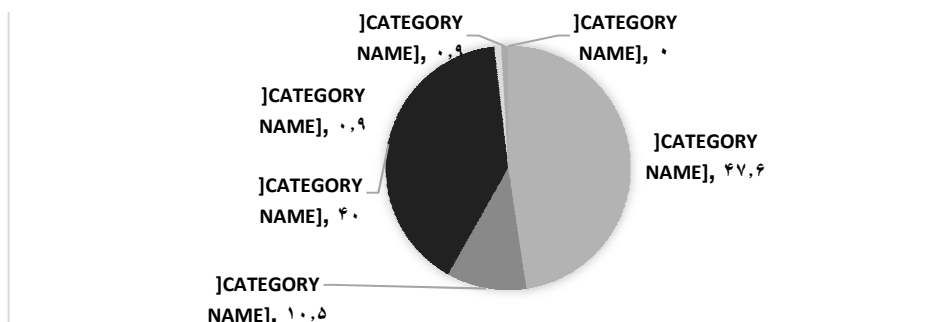
##### ۴.۱. جدول تفکیکی انواع فرایندها

پس از مطالعه‌ی شعر، نوبت به تعیین انواع فرایندها و کمیت هریک از آنها می‌رسد. در ادامه، جدول تحلیلی شعر براساس فرایندهای گفته‌شده نشان داده می‌شود. در این جدول در یک ستون شماره‌ی پاره (جمله‌های شعر) و در ستون دیگر انواع و تعداد فرایندها آمده است.

جدول شماره‌ی ۳- تعیین انواع فرایندها و کمیت هریک

| شماره‌ی پاره | انواع فرایند و تعداد هریک | شماره‌ی پاره | انواع فرایند و تعداد هریک |
|--------------|---------------------------|--------------|---------------------------|
| ۱            | ذهنی ۱، مادی ۱            | ۲            | ذهنی ۱                    |
| ۳            | رفتاری ۱                  | ۴            | مادی ۱                    |
| ۵            | مادی ۱                    | ۶            | مادی ۱                    |
| ۷            | _____                     | ۸            | رابطه‌ای ۱، ذهنی ۱        |
| ۹            | مادی ۱                    | ۱۰           | مادی ۱ (محذوف)            |
| ۱۱           | مادی ۱ (محذوف)            | ۱۲           | رابطه‌ای ۵                |
| ۱۳           | رابطه‌ای ۱، وجودی ۱       | ۱۴           | رابطه‌ای ۱                |
| ۱۵           | _____                     | ۱۶           | رابطه‌ای ۱ (محذوف)        |
| ۱۷           | _____                     | ۱۸           | مادی ۱                    |
| ۱۹           | مادی ۱، ذهنی ۱            | ۲۰           | رابطه‌ای ۱، ذهنی ۱        |
| ۲۱           | _____                     | ۲۲           | مادی ۱                    |
| ۲۳           | رابطه‌ای ۱                | ۲۴           | رابطه‌ای ۱                |
| ۲۵           | رابطه‌ای ۱                | ۲۶           | _____                     |
| ۲۷           | مادی ۱                    | ۲۸           | رابطه‌ای ۱                |
| ۲۹           | مادی ۲                    | ۳۰           | رابطه‌ای ۲، مادی ۱        |
| ۳۱           | رابطه‌ای ۱، مادی ۱        | ۳۲           | رابطه‌ای ۲                |
| ۳۳           | _____                     | ۳۴           | مادی ۱                    |
| ۳۵           | _____                     | ۳۶           | رابطه‌ای ۱                |
| ۳۷           | رابطه‌ای ۱                | ۳۸           | ذهنی ۱                    |
| ۳۹           | _____                     | ۴۰           | رابطه‌ای ۱                |
| ۴۱           | رابطه‌ای ۱ (محذوف)        | ۴۲           | ذهنی ۱                    |
| ۴۳           | مادی ۱                    | ۴۴           | مادی ۱                    |

| شماره‌ی پاره | انواع فرایند و تعداد هریک | شماره‌ی پاره | انواع فرایند و تعداد هریک |
|--------------|---------------------------|--------------|---------------------------|
| ۴۵           | _____                     | ۴۶           | رابطه‌ای ۱                |
| ۴۷           | رابطه‌ای ۱                | ۴۸           | رابطه‌ای ۱                |
| ۴۹           | رابطه‌ای ۱                | ۵۰           | رابطه‌ای ۱                |
| ۵۱           | ذهنی ۱                    | ۵۲           | ذهنی ۱                    |
| ۵۳           | مادی ۱                    | ۵۴           | رابطه‌ای ۱                |
| ۵۵           | رابطه‌ای ۱                | ۵۶           | رابطه‌ای ۱                |
| ۵۷           | رابطه‌ای ۱                | ۵۸           | مادی ۳                    |
| ۵۹           | _____                     | ۶۰           | رابطه‌ای ۱                |
| ۶۱           | رابطه‌ای ۱                | ۶۲           | رابطه‌ای ۱                |
| ۶۳           | مادی ۱                    | ۶۴           | مادی ۱                    |
| ۶۵           | رابطه‌ای ۱                | ۶۶           | مادی ۱                    |
| ۶۷           | مادی ۱                    | ۶۸           | _____                     |
| ۶۹           | ذهنی ۱                    | ۷۰           | مادی ۱                    |
| ۷۱           | مادی ۱                    | ۷۲           | مادی ۱                    |
| ۷۳           | مادی ۱                    | ۷۴           | رابطه‌ای ۳                |
| ۷۵           | مادی ۱                    | ۷۶           | رابطه‌ای ۱                |
| ۷۷           | رابطه‌ای ۲                | ۷۸           | مادی ۱                    |
| ۷۹           | _____                     | ۸۰           | مادی ۲                    |
| ۸۱           | مادی ۳ (محذوف)            | ۸۲           | مادی ۱                    |
| ۸۳           | مادی ۱                    | ۸۴           | مادی ۱                    |
| ۸۵           | مادی ۱                    | ۸۶           | مادی ۱                    |
| ۸۷           | مادی ۱                    | ۸۸           | مادی ۱                    |
| ۸۹           | مادی ۱                    | ۹۰           | مادی ۱                    |
| ۹۱           | مادی ۱                    | ۹۲           | مادی ۱                    |
| ۹۳           | مادی ۱                    | ۹۴           | مادی ۱                    |
| ۹۵           | ذهنی ۱                    |              |                           |



نمودار شماره‌ی ۲: درصد حضور هر فرایند در شعر

بر مبنای جدول بالا، فرایند مادی بیش از تمام فرایندهای دیگر در این شعر به کار رفته است و از میان مجموع ۱۰۵ فرایند موجود، ۵۰ فرایند یعنی ۴۷/۶٪ از کل فرایندها، مربوط به فرایند مادی است. شاعر با به کارگیری این فرایند، بر وجود کنش گر تأکید می‌کند؛ زیرا همان‌طور که گفته شد مشارک اصلی شکل‌دهنده‌ی فرایند مادی کنش گر است. «فرزاد» با به کارگیری پی‌درپی فرایند مادی و به تبع آن پررنگ کردن حضور کنش گر، بر وقوع کنش تأکید می‌کند؛ به این ترتیب، او نه تنها در بعد مفهومی و معنایی شعر، آمدن کسی را نوید می‌دهد که باعث تحول جامعه و ایجاد خوشبختی برای تمام انسان‌ها خواهد شد، بلکه در بعد زبانی و ساختاری نیز با به کارگیری فرایند مادی و به تبع آن برجسته کردن کنش گر، بر وقوع کنش تأکید می‌کند و بدان عینیت می‌بخشد. این هماهنگی بین محتوا و ساختار یکی از دلایل موفقیت و ماندگاری فرخزاد است.

از سوی دیگر، تعداد کل فرایندهای محذوف در این شعر ۷ تا است؛ یعنی شاعر در اکثر پاره‌ها فعل را ذکر می‌کند و این فعل مبین عملی فیزیکی است. شاعر با این شیوه فضای شعر و ساختار توصیفی آن را عینی تر و پرتحرک تر کرده است. این عمل باعث می‌شود مخاطب صرفاً در جریان بازنمایی متن و توصیف شاعر از آن قرار نگیرد، بلکه خود را در بطن حادثه احساس کند و نزدیکی حادثه را با بعینه درک و لمس کند.

پس از فرایند مادی، شاعر از فرایند رابطه‌ای بیشترین بهره را برده است؛ مجموعاً ۴۲ فرایند از ۱۰۵ فرایند، یعنی به تعبیری ۴۰٪ از مجموع کل فرایندها. کاربرد این فرایند در ابعاد وسیع نمایانگر نیت شاعر برای توصیف فضا است. او در تمام طول شعر از فرایندهای رابطه‌ای بهره می‌برد تا بافت موردنظر خود را بسازد و فضای دلخواه خود را توصیف کند. فرخزاد فرایندهای رابطه‌ای را برای توصیف «کسی که می‌آید»، «فضای مردم و جامعه پیش از آمدن او» و «ایده‌آل‌ها و آنچه شاعر و مردم می‌خواهند» به کار

می‌برد و با به‌کارگیری فرایندهای رابطه‌ای، هرآنچه می‌خواهد بعینه به مخاطب نشان دهد توصیف و تصویر می‌کند. چنان‌که از بررسی جدول پیداست، شاعر از فرایندهای ذهنی، رفتاری و وجودی کمترین بهره را می‌برد. فرایندهای رفتاری به فرایندهای مادی نزدیک‌اند و در همان حیطه بررسی می‌شوند و اما در فرایندهای ذهنی، در اقلیت‌بودن، از تأکید شاعر برای داشتن فضایی شفاف و صریح خبر می‌دهد. فرایندهای ذهنی به تفسیر و تأویل نیاز دارند و شاعر از آنها کمترین بهره را می‌برد تا معانی صریح و روشن باشند. او می‌خواهد نظر خود را بگوید. به همین منظور از کاربرد فرایندهای ذهنی اجتناب می‌کند و این قطعاً یکی از رموز او در رسیدن به صداقت و خودمانی‌بودن با مخاطب در شعرش هست.

نکته‌ی چشمگیر دیگری که از بررسی این جدول حاصل می‌شود، استفاده‌نکردن شاعر از فرایند کلامی است. او در تمام طول این شعر که شعری طولانی است، از هیچ فرایند کلامی استفاده نکرده است. با توجه به محتوای شعر که خبر از آمدن کسی و ایجاد تحولی در جامعه می‌دهد، کسی که عدالت را مستقر می‌کند و نان و پرسی و باغ ملی و سینمای فردین را بین همه قسمت خواهد کرد، این امر بسیار طبیعی است که مخاطب انتظار شنیدن فرایندهای کلامی را داشته باشد؛ جملاًتی با افعالی نظیر گفتن، اعلام‌کردن، بیان‌کردن، اظهارکردن و...؛ چیزی که در متون و اشعاری با مایه‌های اجتماعی و سیاسی بسیار متداول است. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

بسان رهنوردانی که در افسانه‌ها گویند ..... چاووشی، اخوان ثالث<sup>۴</sup>  
 چه می‌گویی که بیگه شد، سحر شد، بامداد آمد ..... زمستان، اخوان ثالث<sup>۵</sup>  
 دیدبانان را بگو تا خواب نفریید ..... آخر شاهنامه، اخوان ثالث<sup>۶</sup>  
 گفتند نمی‌خواهیم، نمی‌خواهیم که بمیریم (دوبار در طول شعر) ..... زندگان، شاملو<sup>۷</sup>  
 بدرود! بدرود! چنین گوید بامداد شاعر ..... در آستانه، شاملو<sup>۸</sup>

به کارگیری فرایندهای کلامی در استادانه‌ترین کاربرد (چیزی که در نمونه‌های بالا دیدیم) شعر را حماسی و مطمئن کرده است و در بسیاری متون و اشعار با این مضامین، متن را بسیار به اعلامیه و شعاری‌شدن نزدیک می‌کند یا رنگ‌وبوی نصیحت و پند و اندرز به متن می‌بخشد. فرخزاد شعری ساده و صمیمی می‌خواهد و با تردستی کامل شعری بلند می‌سراید با مضمونی کاملاً اجتماعی و سیاسی و در تمام طول این شعر حتی یک فرایند کلامی به کار نمی‌برد.

جدول شماره‌ی ۴- میزان مشارکت کنش‌گرها و کنش‌پذیرها

| شماره<br>پاره | کنش‌گر                                                | کنش‌پذیر                     | شماره<br>پاره | کنش‌گر                         | کنش‌پذیر                  |
|---------------|-------------------------------------------------------|------------------------------|---------------|--------------------------------|---------------------------|
| ۱             | کسی                                                   |                              | ۴             | کفش‌هایم                       |                           |
| ۵             | مجهول                                                 | م (من محذوف)                 | ۶             | م (من محذوف)                   |                           |
| ۹             | کسی                                                   |                              | ۱۰            | کسی (فعل محذوف)                |                           |
| ۱۱            | کسی (فعل محذوف)                                       |                              | ۱۸            | برادر سید جواد                 |                           |
| ۱۹            | برادر سید جواد<br>(محذوف متنی)                        | رخت پاسبانی                  | ۲۲            | مادر                           | ش (او محذوف)              |
| ۲۷            | (او محذوف)                                            | حرف‌های سخت کتاب<br>کلاس سوم | ۲۹            | (او محذوف)<br>(او محذوف)       | هزار                      |
| ۳۰            | (او محذوف)                                            | جنس نسیم                     | ۳۱            | (او محذوف)                     |                           |
| ۳۴            | (او محذوف)                                            | لامپ الله                    | ۴۳            | م (من محذوف متنی)              |                           |
| ۴۴            | م (من محذوف متنی)                                     |                              | ۵۳            | م (من محذوف متنی)              | گیس دختر<br>سید جواد      |
| ۵۸            | (او، پدر، محذوف<br>متنی)<br>کسی (کسی، محذوف<br>متنی)  | روز آمدنش                    | ۶۳            | (مردم محله کشتارگاه،<br>محذوف) |                           |
| ۶۴            | (مردم محله کشتارگاه،<br>محذوف)                        |                              | ۶۶            | من                             | پله‌های پشت بام           |
| ۶۷            | م (من محذوف)                                          | شیشه‌های پنجره               | ۷۰            | من                             | پله‌های پشت بام           |
| ۷۱            | م (من محذوف)                                          | شیشه‌های پنجره               | ۷۲            | کسی                            |                           |
| ۷۳            | کسی                                                   |                              | ۷۵            | مجهول                          | آمدنش                     |
| ۷۸            | کسی                                                   |                              | ۸۰            | کسی<br>کسی                     |                           |
| ۸۱            | کسی (فعل محذوف)<br>کسی (فعل محذوف)<br>کسی (فعل محذوف) |                              | ۸۲            | کسی                            |                           |
| ۸۳            | (کسی، محذوف متنی)                                     | سفره                         | ۸۴            | (کسی، محذوف متنی)              | نان                       |
| ۸۵            | (کسی، محذوف متنی)                                     | پپسی                         | ۸۶            | (کسی، محذوف متنی)              | باغ ملی                   |
| ۸۷            | (کسی، محذوف متنی)                                     | شریت سیاه سرفه               | ۸۸            | (کسی، محذوف متنی)              | روز اسم نویسی             |
| ۸۹            | (کسی، محذوف متنی)                                     | نمره‌ی مریض‌خانه             | ۹۰            | (کسی، محذوف متنی)              | چکمه‌های لاستیکی          |
| ۹۱            | (کسی، محذوف متنی)                                     | سینمای فردین                 | ۹۲            | (کسی، محذوف متنی)              | درخت‌های دختر<br>سید جواد |
| ۹۳            | (کسی، محذوف متنی)                                     | هرچه را که باد کرده باشد     | ۹۴            | (کسی، محذوف متنی)              | ما                        |



با بررسی جدول فوق درمی‌یابیم که فرخزاد علاوه بر اینکه از فرایند مادی بیشترین بهره را برده است، از بیشترین ساختار متعدی یا مجهول نیز استفاده کرده: در ۲۸ مورد از مجموع ۵۰ فرایند مادی بررسی شده، ساختار فعل متعدی یا مجهول است. به عبارتی، شاعر در اکثر موارد مشارک کنش‌پذیر را وارد فرایند کرده است، ضمن اینکه او در اغلب پاره‌ها فعل را ذکر می‌کند و این فعل عمدتاً مبین عملی فیزیکی یا به تعبیری عینی است. شاعر با به‌کارگیری این شیوه ضمن اینکه ساختار توصیفی شعر را پرتحرک‌تر و عینی‌تر می‌سازد کمک می‌کند که مخاطب صرفاً در روند توصیف و بازنمایی متن از طرف او قرار نگیرد، بلکه خود در این روال حضوری فعال داشته باشد؛ بدین طریق که مخاطب خود، کیفیت فرایند را از طریق این عینیت و کنش متقابل بین کنش‌گر و کنش‌پذیر درک می‌کند. از طرفی تنوع کنش‌گرها (۸ کنش‌گر متفاوت و ۳ کنش‌گر مجهول) و کنش‌پذیرها (۲۴ کنش‌پذیر متفاوت) باعث می‌شود که فرایندها تکراری و کسل‌کننده به نظر نرسند. با توجه به حضور غالب کنش‌گر «کسی، او»، شاعر در تمام بندهای شعر، همه‌جا بین کنش‌گرهای «کسی، او، و من (م)» کنش‌گری دیگر می‌آورد: برادر سید جواد، مادر، مردم محله‌ی کشتارگاه، پدر و با این ترفند از تکراری شدن کنش‌گر «کسی» و «من» جلوگیری می‌کند. از سوی دیگر کنش‌پذیرها آن‌قدر متنوعند که نیازی به استفاده از هیچ راهکاری نیست. گویی بدین طریق فرخزاد می‌خواهد بعینه نشان دهد که «کسی که می‌آید» زندگی و جامعه را در تمام ابعادش متأثر خواهد کرد: رخت پاسبانی، حرف‌های سخت کتاب کلاس سوم، جنس نسبه، لامپ الله، گیس دختر سید جواد، روز آمدنش، پله‌های پشت‌بام، شیشه‌های پنجره، سفره، نان، پپسی، باغ ملی، شربت سیاه‌سرفه، روز اسم‌نویسی، نمره‌ی مریض‌خانه، چکمه‌های لاستیکی، سینمای فردین و ... همان‌گونه که می‌بینیم شاعر کنش‌پذیرها را از میان گستره‌ی وسیعی از واژه‌ها برمی‌گزیند. واژه‌هایی از هرجنس و شکل و چیزی که در تمامی این واژه‌ها مشترک است نزدیکی و قرابت آنها به زندگی روزمره و محسوس بودن آنها برای مخاطب است. واژه‌هایی که آن‌قدر برای مخاطب ملموس و نزدیکند که او آنها را با تمام وجود خود لمس می‌کند. شاعر با این گزینش دقیق، آگاهانه و زیرکانه‌ی واژه‌ها، نشان می‌دهد که کنش‌گر بزرگ شعر، «کسی» با «آمدنش» زندگی را چنان متحول خواهد کرد که شما با رگ و پی خود آن را حس کنید و آمدن او حتی در ظریف‌ترین جزئیات زندگی شما جاری خواهد شد و آنها را متحول خواهد

کرد. شاعر وعده‌ی جهانی دیگر یا بهشتی دور از دست را نمی‌دهد، بلکه به دنبال بهشتی در باغچه، خانه، کوچه و خیابان است که این یکی دیگر از رموز ماندگاری و موفقیت فرخزاد در اشعارش است. شاعر خواهان چیزی ماوراءالطبیعی و تصورناپذیر نیست؛ او ساده‌ترین و انسانی‌ترین آرزوها را دارد و با این روش، شعر او، در عین واردشدن به جهان امروزی و مدرن، فهمیدنی، صمیمی و خودمانی می‌شود.

جدول شماره‌ی ۵- فرایندهای رابطه‌ای، حامل و ویژگی‌ها

| شماره<br>پاره | فرایند رابطه‌ای و تعداد آن                                                          | حامل                       | ویژگی                                                                           |
|---------------|-------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------|---------------------------------------------------------------------------------|
| ۸             | وقتی که خواب نبودم ۱                                                                | م (من)                     | خواب نبودن                                                                      |
| ۱۲            | کسی که مثل هیچ‌کس نیست، مثل پدر نیست، مثل انسی نیست، مثل یحیی نیست، مثل مادر نیست ۵ | کسی                        | مثل هیچ‌کس نبودن، مثل پدر نبودن، مثل انسی نبودن، مثل یحیی نبودن، مثل مادر نبودن |
| ۱۳            | و مثل آن کسی است که باید باشد ۱                                                     | کسی (محذوف)                | مثل آن کسی که باید باشد (بودن)                                                  |
| ۱۴            | و قدش از درخت‌های خانه‌ی معمار... ۱                                                 | قدش                        | از درخت‌های خانه معمار هم بلندتر                                                |
| ۱۶            | و صورتش ۱ (محذوف)<br>از صورت امام زمان هم روشن‌تر                                   | صورتش                      | از صورت امام زمان هم روشن‌تر                                                    |
| ۲۰            | تمام اتاق‌های منزل ما ..... ۱                                                       | سید جواد                   | مال او ست (دارایی)                                                              |
| ۲۳            | و اسمش ... یا قاضی القضاات است ۱                                                    | اسمش                       | یا قاضی القضاات                                                                 |
| ۲۴            | یا حاجت الحاجات است ۱ (محذوف)                                                       | اسمش (محذوف)               | یا حاجت الحاجات                                                                 |
| ۲۵            | می‌تواند ۱                                                                          | کسی (محذوف)                | توانستن                                                                         |
| ۲۸            | می‌تواند ۱                                                                          | کسی (محذوف)                | توانستن                                                                         |
| ۳۰            | می‌تواند ۲<br>هرچقدر که لازم دارد                                                   | کسی (محذوف)<br>کسی (محذوف) | توانستن<br>لازم‌داشتن                                                           |
| ۳۱            | می‌تواند ۱                                                                          | کسی (محذوف)                | توانستن                                                                         |
| ۳۲            | که سبز بود: مثل صبح سحر... ۲                                                        | لامپ الله                  | سبزبودن، مثل صبح سحر<br>سبزبودن                                                 |
| ۳۶            | چقدر روشنی خوب است ۱                                                                | روشنی                      | خوب‌بودن                                                                        |
| ۳۷            | چقدر روشنی خوب است ۱                                                                | روشنی                      | خوب‌بودن                                                                        |
| ۴۰            | که یحیی یک‌چارچرخه داشته باشد ۱                                                     | یحیی                       | چارچرخه داشتن                                                                   |
| ۴۱            | و یک چراغ زنبوری ۱ (محذوف)                                                          | یحیی (محذوف)               | چراغ زنبوری داشتن                                                               |
| ۴۶            | چقدر دور میدان چرخیدن... ۱                                                          | دور میدان چرخیدن           | خوب‌بودن                                                                        |

| شماره<br>پاره | فرایند رابطه‌ای و تعداد آن                                  | حامل                           | ویژگی                                                      |
|---------------|-------------------------------------------------------------|--------------------------------|------------------------------------------------------------|
| ۴۷            | چقدر روی پشت بام ... ۱                                      | روی پشت بام خوابیدن            | خوب بودن                                                   |
| ۴۸            | چقدر باغ ملی رفتن ... ۱                                     | باغ ملی رفتن                   | خوب بودن                                                   |
| ۴۹            | چقدر مزه‌ی پیسی ... ۱                                       | مزه‌ی پیسی                     | خوب بودن                                                   |
| ۵۰            | چقدر سینمای فردین ... ۱                                     | سینمای فردین                   | خوب بودن                                                   |
| ۵۴            | چرا من اینهمه کوچک هستم ۱                                   | من                             | کوچک بودن                                                  |
| ۵۵            | که در خیابان‌ها گم می‌شوم ۱                                 | م(من محذوف)                    | در خیابان‌ها گم شدن                                        |
| ۵۶            | چرا پدر که اینهمه کوچک نیست ۱                               | پدر                            | کوچک نبودن                                                 |
| ۵۷            | و در خیابان‌ها هم گم نمی‌شود ۱                              | پدر(محذوف)                     | در خیابان‌ها گم شدن                                        |
| ۶۰            | که خاک باغچه‌هاشان هم ... ۱                                 | خاک باغچه‌هاشان                | خونی بودن                                                  |
| ۶۱            | و آب حوض‌هاشان هم ... ۱                                     | آب حوض‌هاشان                   | خونی بودن                                                  |
| ۶۲            | و تخت کفش‌هاشان هم ... ۱                                    | تخت کفش‌هاشان                  | خونی بودن                                                  |
| ۶۵            | چقدر آفتاب زمستان تنبل است ۱                                | آفتاب زمستان                   | تنبل بودن                                                  |
| ۷۴            | کسی که دردش با ماست، در نفسش<br>با ماست، در صدایش با ماست ۳ | کسی                            | در دلش با ما بودن، در نفسش با ما بودن، در صدایش با ما بودن |
| ۷۶            | نمی‌شود گرفت ۱                                              | آمدنش                          | نتوان گرفتن                                                |
| ۷۷            | دستبند زد ۲ (محذوف)<br>به زندان انداخت                      | آمدنش (محذوف)<br>آمدنش (محذوف) | نتوان دستبند زدن<br>نتوان به زندان انداختن                 |

فرایند رابطه‌ای دومین فرایند پرکاربرد فرخزاد در این شعر است و ۴۲ فرایند از مجموع ۱۰۵ فرایند کلی و به تعبیری ۴۰٪ از مجموع کل فرایندها را تشکیل می‌دهد. همان‌طور که می‌دانیم حضور و تسلط فرایند رابطه‌ای همراه با غلبه‌ی گونه‌ی وصفی در متن است. چنان‌که از جدول بالا پیداست از مجموع ۴۲ فرایند رابطه‌ای، ۱۹ فرایند مستقیماً «کسی» را توصیف می‌کنند و ویژگی‌های او را وصف می‌کنند: کسی که مثل هیچ‌کس نیست،... و قدش از ... و صورتش از ... به تعبیر دیگر، فرخزاد ۴۵/۲٪ از کل فرایندهای رابطه‌ای را به توصیف کسی اختصاص می‌دهد که در تمام بندهای شعر نوید آمدنش را می‌دهد و مابقی را عمدتاً برای توصیف آنچه از آمدن او انتظار دارد و می‌خواهد صرف می‌کند مانند: چقدر روشنی خوب است، ... و تنها چندمورد را برای توصیف شرایط کنونی جامعه و مردم به‌کار می‌برد: و مردم محله کشتارگاه، ... گویی شاعر شرایط کنونی را امری شناخته شده و بدیهی نزد مخاطب در نظر می‌گیرد و لزومی نمی‌بیند تا درباره‌ی آن توضیح و تفصیل در سخن بیاورد. او نارضایتی از شرایط موجود و تاریکی، فقر و خشونت که محله‌ی کشتارگاه استعاره‌ای کامل از آن است،

۱۳۶ ————— مجله‌ی شعرپژوهی (بوستان ادب) / سال ۹، شماره‌ی ۲، تابستان ۱۳۹۶ (پیاپی ۳۲)

امری قطعی فرض می‌کند و تنها با اشاره‌ای به آن بسنده می‌کند و بدین طریق از زیاده‌گویی و اطناب اجتناب می‌ورزد.

جدول شماره‌ی ۶- عناصر پیرامونی

| شماره پاره | عنصر پیرامونی                                                                                                  | نوع عنصر پیرامونی                              |
|------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------|
| ۳          | هی                                                                                                             | چگونگی                                         |
| ۴          | هی                                                                                                             | چگونگی                                         |
| ۸          | وقتی که خواب نبودم                                                                                             | زمانی                                          |
| ۱۴         | از درخت‌های خانه‌ی معمار هم بلندتر                                                                             | چگونگی                                         |
| ۱۶         | از صورت امام زمان هم روشن‌تر                                                                                   | چگونگی                                         |
| ۱۷         | از برادر سید جواد                                                                                              | سببی                                           |
| ۲۰         | از خود خود سید جواد هم                                                                                         | سببی                                           |
| ۲۲         | در اول نماز                                                                                                    | زمانی                                          |
|            | در آخر نماز                                                                                                    | زمانی                                          |
| ۲۷         | با چشم‌های بسته                                                                                                | چگونگی                                         |
| ۲۹         | بی‌آنکه کم بیاورد<br>از روی بیست ملیون                                                                         | چگونگی برای فعل برداشتن<br>مکانی               |
| ۳۰         | از مغازه‌ی سید جواد                                                                                            | مکانی                                          |
| ۳۳         | دوباره<br>روی آسمان مسجد مفتاحیان                                                                              | زمانی<br>مکانی                                 |
| ۴۳         | که روی چارچرخه‌ی یحیی میان<br>هندوانه‌ها و خربزه‌ها بنشینم<br>روی چارچرخه‌ی یحیی<br>میان هندوانه‌ها و خربزه‌ها | موضوعی برای فعل دلم می‌خواهد<br>مکانی<br>مکانی |
| ۴۴         | دور میدان محمدیه                                                                                               | مکانی                                          |
| ۵۱         | از همه‌ی چیزهای خوب                                                                                            | موضوعی برای فعل خوشم می‌آید                    |
| ۵۵         | در خیابان‌ها                                                                                                   | مکانی                                          |
| ۵۷         | در خیابان‌ها                                                                                                   | مکانی                                          |
| ۵۸         | به خواب من                                                                                                     | مکانی                                          |
| ۶۸         | فقط باید                                                                                                       | چگونگی                                         |

| شماره پاره | عنصر پیرامونی                                                  | نوع عنصر پیرامونی                                  |
|------------|----------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------|
| ۶۹         | در خواب                                                        | زمانی                                              |
| ۷۴         | در دلش<br>با ماست<br>در نفسش<br>با ماست<br>در صدایش<br>با ماست | مکانی<br>مکانی<br>مکانی<br>مکانی<br>مکانی<br>مکانی |
| ۷۷         | به زندان                                                       | مکانی                                              |
| ۷۸         | زیر درخت‌های کهنه‌ی یحیی                                       | مکانی                                              |
| ۷۹         | روزبه‌روز                                                      | زمانی                                              |
| ۸۱         | از باران<br>از صدای شرشر باران<br>از میان پچ‌وپچ گل‌های اطلسی  | مکانی<br>مکانی<br>مکانی                            |
| ۸۲         | از آسمان توپخانه<br>در شب آتش‌بازی                             | مکانی<br>زمانی                                     |

همچنان‌که مهاجر (۱۳۷۶) تفسیر کرده است عناصر پیرامونی شامل مکان، زمان، شیوه‌ی عمل، وسایل و اسباب و شرایط فرایند می‌شوند و معمولاً در گروه قیدی و گروه حرف اضافه‌ای متجلی می‌شوند. این عناصر به‌گونه‌های زمانی، مکانی، چگونگی و کیفیت، سببی، نقشی و موضوعی تقسیم می‌شوند (مهاجر: ۱۳۷۶: ۴۰-۴۷).

همان‌گونه که از جدول بالا پیداست، ۷ عنصر از ۳۹ عنصر پیرامونی به کار رفته در این شعر، عنصر زمانی است؛ یعنی شاعر در ۱۷/۹٪ از فرایندها، عنصر پیرامونی زمانی را به‌کار می‌برد. این امر از سویی توجه شاعر به زمان را نشان می‌دهد و از سوی دیگر با توجه به زمان فرایند آمدن موعود شعر (کسی می‌آید) که درواقع زمان حالی است که بر آینده‌ی نزدیک دلالت می‌کند، از دیدگاه شاعر درباره‌ی نزدیک‌بودن زمان وقوع کنش موردنظر خبر می‌دهد. از سوی دیگر، بسامد حضور عناصر چگونگی و کیفیت نیز ۷ عنصر از ۳۹ عنصر است و ۲ عنصر موضوعی نیز در این شعر موجودند. به تعبیر دیگر، در مجموع ۹ عنصر یعنی ۲۳/۱٪ از مجموع عناصر پیرامونی مربوط به دو عنصر چگونگی و موضوعی می‌شوند. همان‌طور که می‌دانیم هر دوی این عناصر برای

توصیف به کار می‌روند. درواقع، کاربرد این عناصر در شعر نشان از غلبه‌ی گونه‌ی وصفی در متن دارد که تأییدی دوباره بر تحلیل‌های پیشین است. به بیان دیگر شاعر برای وصف آنچه در نظر دارد از تمام امکانات زبانی سود می‌جوید.

اما پربسامدترین عنصر پیرامونی به کار رفته در شعر، عنصر مکانی با ۲۱ بار تکرار در میان مجموع ۳۹ عنصر پیرامونی، یعنی ۵۳/۸٪ از مجموع عناصر است. فرخزاد در کاربرد عناصر مکانی از دایره‌ی وسیعی از واژه‌ها بهره می‌برد. واژه‌هایی که در عین تازگی کاربرد در حوزه‌ی واژه‌های شعر معاصر فارسی، بسیار ملموس، آشنا و دست‌یافتنی‌اند و با بافت زندگی شهری طبقه‌ی متوسط جامعه گره‌خورده‌اند: از مغازه‌ی سید جواد، روی آسمان مسجد مفتاحیان، روی چارچرخه‌ی یحیی میان هندوانه‌ها و خربزه‌ها، دور میدان محمدیه، در خیابان‌ها، از آسمان توپخانه؛ کاربرد چنین طیفی از واژه‌ها نشان‌دهنده‌ی نیت شاعر برای به تصویرکشیدن جامعه به‌ساده‌ترین و ملموس‌ترین شکل ممکن است. او در چنین محیطی زندگی می‌کند و انتظار آمدن «کسی» را در این محیط دارد. بهشت موعود فرخزاد در همین کوچه و خیابان‌هاست. شاعر وعده‌ی دنیا‌های دیگر و مدینه‌ی فاضله‌ای دوردست را نمی‌دهد؛ بلکه دلخواه و آروزی او «روی چارچرخه‌ی یحیی میان هندوانه‌ها و خربزه‌ها» و «دور میدان محمدیه» است و این قرابت و نزدیکی تصویرها، نه تنها به صمیمیت شعر و احساس نزدیکی مخاطب به فضا کمک می‌کند، بلکه باعث ایجاد هماهنگی بین محتوای دلخواه شاعر و ساختار زبانی شعر می‌شود؛ چراکه بافت محتوایی شعر از آمدن کسی نیاز می‌دهد که در عین «دیگر» بودن و «بهتر» بودن گویا از جنس خود ماست:

«... و می‌تواند

تمام حرف‌های سخت کتاب کلاس سوم را

با چشم‌های بسته بخواند...».

## ۵. نتیجه‌گیری

با بررسی آماری فرایندهای شش‌گانه‌ی فراتقش‌اندیشگانی در شعر «کسی که مثل هیچ کس نیست» مشخص می‌شود که در میان فرایندهای اصلی، فرایند مادی با ۴۷/۶٪ بیشترین و فرایند ذهنی با ۱۰/۵٪ کمترین کاربرد را در متن فراگرفته‌اند. برخلاف میزان کاربرد هر فرایند، کارکرد فرایندها به گونه‌ای متفاوت و در اینجا کاملاً برعکس است؛ به این معنا که در این متن کارکرد فرایند ذهنی عمده‌ترین کارکرد معنا‌ساز متن بوده است

و سایر فرایندها برای بسط و تقویت این فرایند استفاده شده و عمل کرده‌اند؛ ایده‌ی دیدن کسی که مثل هیچ‌کس نیست در خواب و در قالب ستاره‌ی قرمزی که مثل قاضی القضاات و حاجت الحاجات است، مؤید معرفی نجات‌بخشی است که نه کاملاً به گفتمان مذهبی جامعه متعلق است و نه کاملاً به گفتمان گروه مخالف و چپ‌گرای جامعه نزدیک است. او کسی است که مثل هیچ‌کس نیست؛ نه این است و نه آن و هم این است و هم آن. تأکید فرخزاد در فرایندهای مادی و رابطه‌ای، با اشاره به عناصری چون لامپ سبز مسجد و نان و سینما دائماً در گستره‌ای مابین دو گفتمان غالب مذهبی و چپ نوسان می‌کند تا جایی که هیچ‌یک از دو سوی این طیف نیست، بلکه بر نقطه‌ای فراجناحی که همان نجات‌بخش و موعود شعر است تمرکز می‌کند؛ نقطه‌ای که تلفیقی است از درون دیالکتیک دوقطبی جامعه و نقطه‌ی مقابل شرایط موجود به حساب می‌آید. شاید بیراه نباشد که در مقایسه‌ای تاریخی، وقایع یک‌دهه بعد از زمان سرایش شعر را حداقل در قالب شعارها، به مثابه‌ی متن آرمانی و ایده‌های اصلی آن دوره از تاریخ، با متن «کسی که مثل هیچ‌کس نیست» مقایسه و بازخوانی کرد. در پایان می‌توان نتیجه گرفت که فرخزاد با کمک سایر فرایندهای فرانقش اندیشگانی و به‌خصوص با تأکید بر فرایند مادی و رابطه‌ای قطعیت وقوع ایده‌ی پیش‌گویانه‌ی شعرش را که با اشاره‌ای کوتاه در قالب فرایند ذهنی از آن گذشته، برجسته می‌کند. او در تمام بندهای شعر با به‌کارگیری پی‌درپی این دو فرایند، بافت دلخواه خود را می‌سازد و فضای مورد نظر خود را ترسیم می‌کند؛ اما تمام این فضا سازی‌ها چیزی جز ترسیم فضای خوابی که شاعر دیده نیست و در واقع سایر فرایندها در خدمت فرایند ذهنی عمل می‌کنند؛ یا به تعبیر دیگر، فرایند ذهنی با وجود در اقلیت بودن از لحاظ کیفی بسط می‌یابد و عرصه‌ی فرانقش اندیشگانی را دربرمی‌گیرد.

#### یادداشت‌ها

1. Table 2(7) Metafunctions and their reflexes in the grammar: Halliday & Matthiessen. (2004).
2. Fig. 5-3 Transitivity represented as system netwo: Halliday & Matthiessen(2004)
3. Table 5(27) Process types, their meanings and characteristic participants: Halliday & Matthiessen(2004)

۴. حقوقی، محمد (۱۳۷۸). شعر زمان ما ۲ (مهدی اخوان ثالث). تهران: دانشیار.

۵. حقوقی، محمد (۱۳۷۸). شعر زمان ما ۲ (مهدی اخوان ثالث). تهران: دانشیار.

۶. حقوقی، محمد (۱۳۷۸). شعر زمان ما ۲ (مهدی اخوان ثالث). تهران: دانشیار.

۷. شاملو، احمد (۱۳۷۲). ققنوس در باران. تهران: نگاه.

۸. شاملو، احمد (۱۳۷۶). در آستانه. تهران: نگاه.

### منابع

آقاگلزاده، فردوس. (۱۳۸۴). «کاربرد آموزه‌های زبان‌شناسی نقش‌گرا در تجزیه و تحلیل

متون ادبی». نشریه‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.

دوره‌ی ۳۸، شماره‌ی ۱۴۹، صص ۱-۲۱.

حقوقی، محمد. (۱۳۷۸). شعر زمان ما ۲ (مهدی اخوان ثالث). تهران: دانشیار.

شاملو، احمد. (۱۳۷۲). ققنوس در باران. تهران: نگاه.

\_\_\_\_\_ (۱۳۷۶). در آستانه. تهران: نگاه.

صالحی‌نیا، مریم و زهرا روحی. (۱۳۹۲). «بررسی انتقادی کاربرد نظریه‌ی سیستمی‌نقشی

هلیدی، زبان‌شناسی متن بنیاد». راسخون.

فرخزاد، فروغ. (۱۳۷۷). ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد. تهران: مروارید.

\_\_\_\_\_ (۱۳۷۷). مجموعه اشعار. به‌کوشش سعید قانع. تهران: بهزاد.

مهاجر، مهران و محمد نبوی. (۱۳۷۶). به سوی زبان‌شناسی شعر: رهیافتی نقش‌گرا.

تهران: مرکز.

هلیدی، مایکل و رقیه حسن. (۱۳۹۳). زبان بافت و متن؛ جنبه‌هایی از زبان در

چشم‌اندازی اجتماعی- نشانه‌شناختی، ترجمه‌ی مجتبی منشی‌زاده و طاهره ایشانی،

تهران: علمی.

Eggs, Suzanne. (2007). *An introduction to systemic functional linguistics*. reprinted New York.

Halliday, M.A.K & Christian, Matthiessen. (2004). *An Introduction to Functional Grammar*. New York: Oxford University Press Inc.

Halliday, M.A.K, and Robin P. Fawcett. (1987). *New developments in systemic linguistics*. V1, first published, Great Britain.

Halliday, M.A.K. (1985). *An Introduction to Functional Grammar*. London: Edward Arnold.

----- (2002). *On language*. edited by Jonthan Webster, first published. London.